

اگر تغییر مثبت می‌خواهید توافق کنید!

(نکات چندی در مورد انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ افغانستان)

نبض حوادث کشور به شدت تام می‌تپد. هست موارد و لحظات که از تعقیب مسایل و لحظات داغ روز به عقب می‌مانیم.

در سیاست مانند همیشه منافع و مصالح اینکه کی با کی در کدام مرحله چه منفعت مشترک دارد و سخن و معیار اصلی از منافع و مصالح مشترک باید چه باشد و کدام خطوط سرخ وجود دارد که عبور از آن ممکن نیست - از اهمیت ویژه برخوردار است.

تلاش برای گرفتن قدرت سیاسی بخاطر تحقق اهداف سیاسی یک امر نورمال، قابل فهم است. بشریت در قرن بیست یکم راه دیگر درست را به جز دموکراسی نیم بند امروز - در اختیار ندارد. بلی سیاست خدمت است و عبادت در صورتیکه به قصد خدمت به خلق الله باشد.

بلاخره زمان آن رسیده که به دقت باندیشیم که آیا وضع موجود قابل تحمل است و یا خیر؟

میدانیم که سیاست غیر شفاف اقتصادی، سیاسی غلط کادری، عدم تطبیق قانون و بی کفایتی مسلکی و سیاسی عوامل عمده این وضع رقت بار در کشور ما است. اگر جواب چنین است که وضع موجود قابل قبول نیست و ضرورت جدی برای تغییر است پس راه حل و رسیدن به این تغییر از کدام راه تامین شده میتواند؟ صرف دو راه وجود دارد یکی راه سیستم براندازی و تشدد و دیگر هم مبارزه و تلاش برای تحقق اهداف از طروق انسانی، مسالمت آمیز و با جلوگیری از قربانی های غیر ضروری.

چنانچه میدانیم یکی از راه ها مبارزات انتخاباتی است. انتخابات و رفتن به انتخابات برای کسب آراء ملت بخاطر کسب مشروعیت برنامه های مطروحه است.

نمیدانم چه بازی ها، تطمیع، تهدید و یا فریب در کار بوده اما باید با پیگیری به طرف اهداف انسانی خویش رفتن از امکانات موجود به صورت پیگیر استفاده کردن یک ضرورت است (من طریق سعی می آریم بجا - لیس لانسان الی ما سعی).

ملت و مردم آگاه باید رسالت خویش را اداء کنند. بلاخره گپ اخیر را باید به ملت مربوط دانست. ملت و رهبری باید با برخورد پیگیر و متین به طرف هدف انسانی خویش در حرکت باشند.

باید درک کرد که رهبران و سربازان دایمی وجود ندارند مواضع و عمل کرد ها است که کی در کدام مقطع به نفع ملت کار میکنند و باید وی را تأیید کرد.

ضرورت است و باید عمیقاً درک کرد که اداره حاکم فعلی از امکانات زمانی و مالی و به تاسی از آن با استفاده از همین امکانات مالی از امکانات کادری خوب برخوردار است. اپرات دولتی، وسایل اطلاعات جمعی و را در اختیار دارد.

بدون وحدت، تفاهم، هوشیاری و پختگی لازم سیاسی و بدون گرفتن ابتکار عمل در دست خویش یعنی بدون تفاهم و کواوردینه خوب بین کاندیدان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ افغانستان به تغییر مثبت نایل نه خواهیم شد.

ما به زور ملت و مردم اعتقاد داریم. باید به درست بودن راه و باید به ضرورت تغییر مثبت معتقد بود. من به این باورم که در صورت پیروی از رموز فوق انشاء الله اراده ملت کامیاب شدن است.

همان قسم که در کشور ما دارد دیموکراسی تمرینات اولی خود را میپیماید، همان قسمی که کاندیدان ریاست جمهوری در یک مضيقه زمانی و مالی و کادری قرار داده شدند، همان قسمی که سبکدوشی و کشیدن از تابعیت دومی که بعضی از کاندیدان به آن خلاف و بالاتر از خواست و توان خویش از لحاظ زمانی و تخنیکی مواجه شدند، این و دهها اصول و ملاحظات عملی و قانونی دیگری که من بنابر جلوگیری از طول کلام از ذکر آن ابا میورزم - سفارش دارم از هدر شدن وقت و راه کرد ها به طرف غیر قانونی و غیر مشروع بودن انتخابات باید جلوگیری کرد.

من به این معتقدم که بقا این اداره به شکل که است سبب سرکشی ها و برخورد ها غیر متمدانه آینده خواهد شد و این نه به نفع مردم افغانستان، نه به نفع مجامع بین المللی و صلح است.

مراجع و کسانی که از تداوم حاکمیت فعلی ضعیف و آزموده شده برای فعلا خوش خواهند بود عبارتند از مخالفین مسلح، بخش از ادارات استخباراتی کشور های همسایه، بخشی از تفنگ سالاران، شخصیت های کاذب و قوم پرست و نیرو های مافیای.

عوامل هم همین است که بعدا در معامله و تحت فشار قرار دادن چنین حاکمیت ضعیف کماکان به منافع خود کار کرده بتوانند و افغانستان را گاو شیری خود کما کان بر اساس (بقا ما کان علی ماکان) سازند. نقش تاجران و کمپنی های بین المللی که از دولت افغانستان و یا هم کشور های جهان قرار داد های خوب و پر درآمد را در افغانستان بدست آورده اند نیز به صورت قطع در آنچه در کشور ما میگذرد مؤثر و تعیین کننده است. تغییر تغییر و تغییر مثبت و تیم قوی کاری و سیاسی ضرورت است! این را باید تمام افراد و نیرو های خیرخواه این جامعه و جهان درک نمایند. ضرورت است اگر تخلفات از قانون در انتخابات موجود ریاست جمهوری ادامه پیدا کند باید و باید تمام خیر خواهان وطن متحدانه عمل نموده و حتی مشروعیت انتخابات را مورد سوال و مذاقه قرار دهند.

با تمام صراحت باید گفت که در داخل نظام حاکم شخصیت های زیاد هستند که با قرار گرفتن در سیستم نا بکار نتوانستند کار مؤثر را به پیش ببرند. من مطمئن ام که با تغییر مثبت جدید در اداره کشور زمینه های کار بهتری برای شان آماده خواهد شد. درین تغییر آوری نباید سیستم برانداز بود بلکه باید سیستم ساز بود. لذا بر تمام آنها که خیر، صلاح و فلاح این کشور را خواهان اند و به تغییر ضرورت احساس میکنند باید دست به دست هم داده با وجود رقابت سیاسی معیین در مسایل معیین خیر به توافق برسند. توافق برسر ضرورت به تغییر، توافق بر سر تطبیق قانون، توافق بر نظارت از شفافیت انتخابات، توافق به مراعات کلتوری عالی انتخابات، توافق بر واقعیت نگری، توافق بر عدم همکاری با نیرو های که سیستم برانداز اند، توافق به روشن ساختن قواعد بازی سیاسی، جلوگیری از سوء استفاده از منابع دولتی برای مسایل شخصی انتخاباتی، توافق بر کاندید مشترک حد اقل در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ افغانستان (وضع نشان میدهد که در افغانستان دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری صورت گیرد).

ضرورت همکاری بیشتر انسان های خیر خواه جدا مطرح است. می خواهم تاکید و تکرار کنم که راه دیگر وجود ندارد.

این همکاری و توافق توافق بر توافق آینده است. این توافق و قرارداد در واقعیت توافق و قرارداد به مواد بیشتر در آینده است. ضرورت است در صورتیکه در انتخابات مستقیم مطرح باشیم و یا خارج از آن برای امر خیر، مصالح و منافع ملت و امر صلح کارکرد. این است رسالت. این همکاری حتی حریفان سیاسی به معنای تقسیم کرسی های دولتی آینده، به معنای گذشت از برنامه های کاری خویش، به معنای احسان گذاری بر دیگران نیست. این همکاری به معنای همکاری افراطی، شخصیت های سیاسی کشور، کلکتیف ها، احزاب و سازمان های سیاسی بر امر خیر و مصلحت همه است.

و السلام – فاعتبروا یا اولی الابصار